

هر چند کشور اکنون توانسته اغتشاشات عظیمی را که امر یکایی‌ها و مهیونیست‌ها به وسیله ترور بست‌هایی وابسته به خود طراحی کرده بودند، پشت سر بگذارد ولی مسئله مورد توجه در این میان حضور بخشی از مردم و مخصوصاً نوجوانانی است که با وجود مشخص بودن حمایت دشمنان قسم خورده کشور از این آشوب‌ها حاضر شده‌اند در کنار تروریست‌های آشوب‌طلب قرار بگیرند. در گفت وگوی «جوان»، بـا ابوالفضل اقبالی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا رفتار جامعه در این اغتشاشات مورد بررسی قرار گرفته است.

□ □ □

تحلیل جامعه‌شناسانه شما از اغتشاشات اخیر چیست؟

در مورد اتفاقات اخیر ما بیشتر تحلیل‌های امنیتی و مانند آن را شنیدیم و در روایتی هم که بیشتر توسط رسانه ملی در مورد این حوادث ارائه شد این جنبه پررنگ بود که تروریست‌های مسلح، عوامل مוסاد و مانند اینها، این تخریب‌ها، آشوب‌ها و کشت و کشتار‌ها را رقم زدند البته طبیعی است چون صحنه، صحنه عیان خشونت‌ورزی سازمان یافته بود و به هیچ وجه قابل تردید نیست و نمی‌شود انکار کرد که یک جریان طراحی شده، آموزش دیده، برنامه‌ریزی شده و حمایت‌شده‌ای از بیرون از مرزها توسط سازمان‌های جاسوسی پنج‌شنبه و جمعه در خیابان عمل و فعالیت کردند و آن دسته‌های آشوبی که قبلاً توسط این نهادها و جریان سیاسی منقرض شده در ایران ساماندهی و حمایت شده بودند این رفتار را رقم زدند اما من می‌گویم اتفاقات ۱۸ و ۱۹ دی و کلان فتنه اخیر یک سویه‌های اجتماعی هم داشت و اینطور نیست که بتوانیم همه آن را با سازماندهی، کار دشمن، پول گرفتن و مانند اینها تحلیل کرد بلکه ابعاد اجتماعی این مسئله را نیز باید دید چون بخش قابل توجهی از این فتنه اخیر هم با همراهی بدنه مردمی اتفاق افتاد. همه آنهایی که در اغتشاشات بودند تروریست‌های مسلح موساد، منافقین، پهلوی‌چی‌ها و مانند اینها نبودند، نوجوانان زیادی الان دستگیر شده‌اند، نوجوانان زیادی نیز کشته شدند و این نشان می‌دهد یک بدنه مردم هم در این آشوب‌ها حضور و همراهی داشت و آتش بیاری کرده است.

خب این اغتشاشات را باید چگونه مورد بررسی قرار داد؟ مسئله مغضول در این اغتشاشات اخیر کجای بود؟

به نظر می‌رسد که این اغتشاش محصول خشم انباشته شده‌ای بود که در حداقل بیش از یک دهه با تضعیف و پر مشقت شدن معیشت، رفاه و قدرت خرید مردم و اختلال در معیشت مردم ایجاد شده است. این مشکلاتی که انباشته شده گاهی در ۹۶ و ۹۸ بیرون زده و گاهی هم انباشته شده و تا امروز ادامه پیدا کرده است. این خشم و واقعیت امروز

گزارش کبری فرحیچی

روزهای اخیر، فضای رسانه‌ای نظام سلامت کشور شاهد اظهاراتی بی‌سابقه و تأمل‌برانگیز از سوی معاون اجرایی رئیس‌جمهور و نیز یکی از مقامات صنفی پزشکان بود. محمد رئیس‌زاده، رئیس سازمان نظام پزشکی، در سلسله مصاحبه‌هایی که رنگ و بوی اتمام حجت داشت، افزایش ظرفیت پزشکی را «یک دروغ بزرگ» و «خطای راهبردی مرگ آفرین» خواند و در نهایت، تیر خلاص را به پیگیر قانون شلیک کرد و گفت: «اگر این روند ادامه یابد، سازمان نظام پزشکی به قارع تحصیلان جدید، شماره نظام پزشکی نخواهد داد.» جعفر قائم‌پناه نیز گفته است: «به‌طور جدی برای توقف افزایش ظرفیت دانشجویی پزشکی ایستاده‌ایم. برای چنین افزایش ظرفیتی اصلاً فضا و کلاس آموزشی مورد نیاز وجود ندارد. □ □ □

این تهدید آشکار، به مثابه ایستادن تمام‌قد یک نهاد غیردولتی در برابر مصوبات لازم‌الاجرای شورای عالی انقلاب فرهنگی است، اما آیا واقعاً زیرساخت‌ها در حال فروپاشی است یا ما با یک فرار رو به جلو برای حفظ انحصار مواجهیم؟ و مهم‌تر از همه، آیا تهدید به عدم صدور شماره نظام پزشکی، از اساس در حیطه اختیارات قانونی این سازمان است؟

■ **شاید یک بلوف بزرگ**

شاید جنجالی‌ترین بخش سخنان رئیس‌زاده، رئیس سازمان نظام پزشکی، تهدید به عدم اعطای شماره نظام پزشکی به دانشجویان ورودی جدید باشد. وی با ادبیاتی خاص، آینده شغلی هزاران جوان نخبه کشور را در اختیار گرفته تا سیاست‌گذاران را وادار به عقب‌نشینی کنند، اما آیا قانون چنین اجازه‌ای به این سازمان می‌دهد؟

پاسخ صریح و قاطع خیر است. با رجوع به ماده ۳ قانون سازمان نظام پزشکی (مصوب فروردین ۱۳۸۳) و تبصره‌های ذیل آن، وظایف و اختیارات این سازمان به روشنی تبیین شده‌است. قانون‌گذار در این ماده، به سازمان نظام پزشکی صرفاً اختیار داده‌است تا در خصوص میزان و نحوه وصول حق عضویت و تنظیم روابط شاغلین حرفه پزشکی اقدام کند. در هیچ کجای این قانون، مجوزی برای بررسی صلاحیت علمی جهت اعطای شماره نظام پزشکی یا ممانعت از صدور شماره به دلیل مخالفت با سیاست‌های جذب دانشجو، به این سازمان اعطا نشده‌است.

جامعه

سرویس اجتماعی ۶۰۰۸۸۵۲۳

تحلیل اغتشاشات و اعتراضات اخیر در گفت‌وگوی «جوان» با استاد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا

این اعتراض می‌تواند سرمایه اجتماعی حاکمیت را بازسازی کند

ابوالفضل اقبالی: اگر این اعتراض معطوف به مسببان اصلی وضعیت اقتصادی شود، می‌تواند هم به حذف دشمنان اصلی مردم منتج شود و هم سرمایه اجتماعی حاکمیت را بازسازی کند

مشکل اصلی جامعه را چه می‌دانید؟

من معتقدم که مشکل امروز جامعه ما فساد است و این فساد خطوط متعدد و قلمروهای متفاوتی دارد و در هر قلمرویی که این فساد حضور دارد به ضرر زندگی مردم عمل می‌کند و اگر خط فساد را به درستی بشناسیم و رهگیری بکنیم می‌توانیم سرش را در اقتصاد، امنیت، اخلاق، فرهنگ و عرصه‌های مختلف دیگر در بیاریم و بـا ن برخورد کنیم یعنی اگر این خشم بتواند پشتوانه‌ای برای پیگیری مقابله و مبارزه با فساد در جمهوری اسلامی شود مقدس است.

فساد در اقتصاد رانت، اختلاس، دزدی، گرانی روزافزون و ربا رقم می‌زند، خب با این فساد باید برخورد شود. در فرهنگ ابتدال، اباهه‌گری و بی‌حیایی‌رقم نیست. فساد در امنیت، آشوب، فراخوان به تخریب اموال عمومی و اخلاص در نظم عمومی رقم می‌زند. این‌ها همه امتدادهای فساد در زندگی مردم است. در جامعه امروز ایران حداقل در دو دهه اخیر مردم را در صف‌های طولانی واقعی نسبت به آن کرده‌ام. این فساد است که در اقتصاد، فرهنگ و امنیت گند می‌زند از یک محل، ریشه و چشمه منشأ گرفته است. یعنی آن بانکی که وام ازدواج جوان را نمی‌دهد و به بهانه کمبود منابع جوان‌های مردم را در صف‌های طولانی معطل بگه می‌دارد و نمی‌گذارد این‌ها زندگی و ازدواج کنند یا وام فرزندانوری یا مسکن آنها را نمی‌دهد، همان رئیس بانک منابعش را خرج وام‌های کلان در هیئت مدره خودش می‌کند و اینـ به معنای فساد اقتصادی است و همان‌ها هم هزینه‌های مرا تن‌ها، ایونت‌ها مون و رویدادهای فسادزای کیش، قشم و مانند اینها را تأمین مالی می‌کنند. با همان سرمایه‌دار حرام‌لقمه‌ای که روزانه کالاهای اساسی و اقلام اصلی سفره مردم را گران‌تر می‌کند، لبنیات، مرغ یا برنج را گران می‌کند فرزندانش دارند در خیابان‌های بالا شهر با بنزین مرغوب ۸۰ هزار تومانی دور می‌کنند و در اینستاگرام و شبکه‌های اجتماعی ایندخال نمایان می‌کنند و در کافه‌ها و مال‌ها پارتی بر گزار می‌کنند و جریان اباهه‌گری را رقم می‌زنند. همین‌ها در سیمنا و شبکه نمایش خانگی بی‌حیایی و ابتئال را به خورد جوان‌های مردم می‌هند خشونت را ترویج می‌کنند، خون پاشی می‌کنند و فیلم‌های خشن و پر از خون و خونریزی می‌سازند یا بچه‌هایشان در خیابان شعار «سیجی سپاهی داعش ما می‌دهند» می‌دهند.

می‌خواهم بگویم این‌ها همگی از یکجا ناشی می‌شود و نشان به آن نشان که دشمن آشکار و عیان ما که امریکا و اسرائیل هستند هم اتاقی فرمان‌های فساد اقتصادی و اخلاص در معیشت مردم و ابتذال به همراه آشوب و ناامنی را با هم دارند پیگیری می‌کنند یعنی دقیقاً اتاقی فرماندهی این سه موضوع یکجا هستند و ناامنی در خیابان، ابتدالی و اباهه‌گری در فرهنگ و اخلاص در معیشت از یک جا دارد خذ می‌گیرد. این‌ها را باید به مردم گفت تا بتوانیم این خشم عمومی را جهت دهی کنیم.

حذف کرد. حالا نمادها و نماینده‌های جمهوری اسلامی چه کسانی هستند؟ همین عمامه به سرها، همین لباس سبز پوش‌ها و همین فحیه دور گردن‌ها، همین چادری‌ها هستند! این‌ها نمادهای جمهوری اسلامی هستند و لذا می‌گویند آقا هر جایی‌ها را گیر آوردید بنزید، عمامه‌شان را ببرانید، چادرشان را بکشید و خلاصه زجر کششان کنید.

آن نوجوان چرا به چنین اقدامی کشیده شده است؟

آن نوجوانی که این کار را می‌کند واقعاً باورش این است که اگر این‌ها بروند و پهلوی بیاد وضعیت بهتر می‌شود پس مسئله در ناحیه روایت‌هاست. آن نوجوان روایت سازندگی بسیج و نیروهای متدین و انقلابی ایرانی را نشنیده است، او خبر ندارد و ندیده که در کرونا که همه مردم از همدیگر دوری می‌کردند و کسی به کسی نبود و همه از ترس خودشان را از زله کرده بودند همین روحانیت، بسیجی‌ها و مذهبی‌ها داوطلبانه می‌رفتند غسل و تدفین متوفیان کرونا را انجام می‌دادند یا به طور جهادی مثلاً ماسک تولید می‌کردن یا کارهای مربوط به ضد عفونی کردن فضاهای عمومی را انجام می‌دادند. یا وقتی مثلاً سیل و زلزله و مانند این‌ها می‌آید همین‌ها هستند که به کمک مردم می‌روند و اینادر کنار نیروهای امدادی داوطلبانه این کارها را می‌کنند یا در اردوهای جهادی این‌ها می‌روند برای مردم مدرسه و خانه می‌سازند یا پای لانچر همین سبز پوشان دارند، امنیت این کشور را برقرار می‌کنند و آرامش را رقم می‌زنند ولی این مسئله در فضای ذهنی نوجوان امروز تبیین و مطرح نشده و اینها حقیقتاً غافل هستند از این جنبه‌هایی که وجود دارد و واقعیت است هستند و متأسفانه آن را نشنیده‌اند.

به نظر من این روایت سهم اصلی و عاملیت اصلی را در ایجاد و جهت دهی به این خشم نامقدس داشته است در حالی که ما معتقدیم مسببان اصلی وضعیت معیشتی مردم که خود ما نیز هم گرفتار آن هستیم و خود کسانی که ۲۲ دی رفتند و کمر فتنه را شکاندند هم گرفتارش هستند و آن مسببان اصلی را باید برای نوجوان معرفی کرد.

دلیل مقدس دانستن این خشم از نظر شما چیست؟

دلیلی که من این خشم را مقدس می‌دانم این است که اگر این خشم جهت دهی شود و معطوف به مسببان اصلی وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم شود می‌تواند سازنده باشد و می‌تواند هم به نفی و حذف دشمنان اصلی انقلاب، مردم و نظام منتج شود و هم سرمایه اجتماعی حاکمیت را بازسازی کند البته این از رهگذر برخورد و قطع دستان افراد و جریان‌های فاسد، غارتگر و اخلاک‌گرا ن معیشت مردم و بیت المال است. به شرطی که ما بتوانیم در فضای روایت به درستی مسببین اصلی را به نوجوان معرفی کنیم.



هادی زند | انسنا

«سیجی، سپاهی داعش ما شمایید» در روایت و برساختی است که از وضعیت موجود به آنها دارد ارائه می‌شود یعنی این‌ها دو ادراک متفاوت از وضعیتشان و مسببان وضعیتشان دارند. آن نوجوانانی که ۱۸ دی به خیابان می‌آید، مسجد آتش می‌زند یا شیشه می‌شکند حتی به غیر از آن افرادی آموزش دیده است. ذهنیت واقعی آن نوجوان در همراهی کردن برای آتش زدن اتوبوس‌ها و تخریب اموال عمومی این است که عامل اصلی برهم خوردن معیشت، اختلال در زندگی یا نداشتن هیچ آینده روشنی پیش روی ما اسلام است و این اسلام سیاسی است که

۴۵ سال در ایران، معیشت مردم را گروگان ارزش‌های توهمی خودش در دنیا گرفته و این هاست که ما را با جهان بد کرده و باعث و بانی وضعیت اقتصادی ماست. در کل عامل اصلی این تصور همان حرفایی است که از منجره امثال صادق زیباکلام و این‌ها هم بیرون می‌آید که آقا جریان مقاومت در منطقه و فلان تلاش‌ها،

کودتای صنفی علیه قانون

تحلیل حقوقی و آماری اظهارات اخیر مقامات دولتی و صرف پزشکان علیه مصوبه افزایش ظرفیت



فعلی بوده‌است. چطور نظام سلامت در دهه ۶۰ با کمترین امکانات و در زیر بمباران، توانست پزشکی را تربیت کند که امروز اساتید برجسته و مفاخر پزشکی کشور هستند، اما امروز با وجود دهها دانشگاه علوم پزشکی جدید، بیمارستان‌های مجهز و بودجه‌های کلان، آقایان مدعی‌اند که افزایش چند هزار نفری ظرفیت باعث افت کیفیت می‌شود؟

■ **صندلی‌های خالی تخصص آدرس غلط برای توقف عمومی**

استدلال دیگر مخالفان این است: «وقتی صندلی‌های تخصص خالی مانده، چرا پزشک عمومی تربیت می‌کنیم؟ این استدلال، مصداق بارز خلط میثت است، چراکه از یک سو آمار‌ها نشان می‌دهد که صندلی‌های تخصص در اکثر رشته‌های پولساز و لوکس (مانند رادیولوژی، چشم و پوست) با رقایت شدید پر می‌شوند. مشکل خالی ماندن صندلی‌ها مربوط به سه یا چهار رشته خاص (مانند بیهوشی، طب اورژانس و اطفال) است که سختی کار بالا و درآمد نسبتاً پایین‌تری دارند.

علاوه بر این، راه‌حل پر کردن این صندلی‌ها، کاهش ورودی پزشک عمومی نیست! برعکس، برای اینکه شانس پر شدن این رشته‌ها بالا برود، باید کف هرم (تعداد پزشکان عمومی) وسیع‌تر شود تا متقاضیان بیشتری وجود داشته‌باشند. از طرفی خالی ماندن این رشته‌ها ناشی از ترک فعل وزارت بهداشت در اجرای قوانین مشوق (مانند تبصره

۲ ماده واحده افزایش ظرفیت پزشکی) و عدم اصلاح تعرفه‌ها برای این رشته‌های خاص است. مسئولان صنفی به جای پاسخگویی درباره کم‌کاری خود در جذب‌سازی این رشته‌ها، صورت مسئله را پاک کرده و به جنگ با افزایش ظرفیت پزشک عمومی رفته‌اند.

■ **بومی‌گزینی پاشنه آشیل انحصارگران**

نکته‌ای که در هیاهوی رسانه‌ای مخالفان گم‌شده، ماهیت بومی‌گزینی در طرح افزایش ظرفیت است. دکتر رئیس‌زاده خود یکی از مخالفان طرح تعهد خدمت است. تجربه ۴۰ ساله نیز نشان داده‌است که پزشک طرحی، سرباز اجباری است که روز شماری می‌کند تا طرح تمام شود و به کلانشهر باز گردد. در مقابل، مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی بر پذیرش بومسی با تعهد خدمت طولانی مدت ۱/۵ برابر طول تحصیل تأکید دارد. این یعنی پزشک تربیت‌شده، متعلق به همان منطقه است، نیاز کمتری به جابجاء دارد و متعهد است سال‌ها در منطقه خود خدمت کند. این روش، همان چیزی است که انحصار متمرکز در کلانشهرها را می‌شکند و دسترسی عادلانه به درمان را تضمین می‌کند. مخالفت با این روش، در واقع مخالفت با پایپان دادن به محرومیت درمانی در شهرستان‌هاست. آنچه از تقابل برمی‌آید، این است که مخالف‌های اخیر با افزایش ظرفیت پزشکی، بیش از آنکه دغدغه کیفیت آموزش باشد، ناشی از نگرانی بابت شکسته شدن انحصار است. ادبیات تهدیدآمیز رئیس کل سازمان نظام پزشکی و شرط گذاری برای فان‌التحصیلان با ابزار عدم صدور شماره نظام، بدعتی در حکمرانی کشور است.

به نظر می‌رسد زمان آن رسیده‌است که نمایندگان مجلس شورای اسلامی با استفاده از ابزارهای نظارتی، وزارت بهداشت را بابت همسویی با منافع صنفی پزشکان مورد بازخواست قرار دهند. از طرفی دستگاه قضایی و دیوان عدالت اداری به موضوع تهدید غیرقانونی سازمان نظام پزشکی (مغایر با ماده ۴ قانون این سازمان) ورود کردند و اجازه این قبیل اقدامات را ندهند. علاوه بر این، شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز بایستی با قاطعیت بر اجرای مصوبه خود نظارت کند و تحت‌تأثیر هیاهوهای رسانه‌ای قرار نگیرد، چراکه افزایش ظرفیت پزشکی، مطالبه‌ای ملی برای رفع تبعیض در دسترسی به درمان است؛ نباید اجازه داد منافع یک صنف خاص، سلامت عمومی جامعه را تحت‌تأثیر قرار دهد.



کاور ویژه

مشکل صدور

گواهینامه موتورسواری زنان حل شد

هیئت دولت در جلسه روز گذشته خود، فرماندهی کل انتظامی جمهوری اسلامی ایران را مکلف کرد زمینه آموزش موتورسیکلت‌سواری بانوان متقاضی در یافت گواهینامه را فراهم کند؛ مصوبه‌ای که عامل تسریع صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان را هموار می‌سازد.

بر اساس مصوبه روز گذشته هیئت دولت، فرماندهی کل انتظامی موظف شد آموزش عملی متقاضیان زن را از طریق مربیان زن و با اولویت افسران زن انجام دهد و در صورت کمبود نیرو، از آمون‌گیرندگان مرد واجد صلاحیت با رعایت ملاحظات شرعی و تحت نظارت مستقیم پلیس راهور استفاده کند.

این مقرره در پی پیشنهاد معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری و وزارت کشور و با هدف رفع خلأهای حقوقی و اجتماعی موجود در حوزه رانندگی بانوان با موتورسیکلت به تصویب رسیده‌است و زمینه‌ساز فراهم‌شدن امکان آموزش رسمی و نظام‌مند، زمینه بهره‌مندی زنان از حقوق قانونی مرتبط با رانندگی از جمله پوشش‌های بیمه‌ای، کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارتقای ایمنی ترافیکی خواهد شد.

در بخش دیگری از این مصوبه، هیئت دولت در راستای کاهش آلاینده‌ی‌های ناشی از سوخت‌های فسیلی، وزارت صنعت، معدن و تجارت را مکلف زن با همکاری سازمان ملی استاندارد ایران، طراحی، تولید و توزیع موتورسیکلت‌های برقی را به همراه تجهیزات ایمنی استاندارد از جمله کلاه ایمنی، سیستم ترمز ضدقفل (ABS) و چراغ‌های هشدار دهنده برای استفاده همه شهروندان اعم از زن و مرد در اولویت قرار دهد.

بر اساس این مصوبه، زمینه ارتقای ایمنی ترافیکی، ساماندهی تردد موتورسیکلت‌سواران زن و بهره‌مندی آنان از حقوق قانونی مرتبط با رانندگی از جمله پوشش‌های بیمه‌ای فراهم می‌شود. اجرای این موضوع، در چارچوب قوانین و مقررات موجود، به‌عنوان گامی عملی در مسیر امکان صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان و ساماندهی وضعیت فعالیت آنان در این حوزه است.